

نگاه

باج‌گیری در فضای مجازی؛ چگونه در برابر اخاذی سایبری بی‌دفاع نمانیم

۱۰ راهکار برای مقابله با اخاذی دیجیتال

ترجمه روزدار

مقدمه: اخاذی، مفهومی قدیمی اما با چهره‌هایی مدرن، در قرن بیست‌ویکم به یکی از دغدغه‌های جدی افراد، شرکت‌ها و حتی دولت‌ها تبدیل شده است. پیشرفت فناوری، گسترش فضای دیجیتال و افزایش وابستگی به ارتباطات آنلاین، بسترهای جدیدی برای سوءاستفاده فراهم کرده‌اند. اخاذی دیگر صرفاً به تهدیدهای فیزیکی با باج‌گیری کلاسیک محدود نمی‌شود، بلکه اخاذی سایبری، تهدید به افشای اطلاعات شخصی، حملات باج‌افزاری را فشارهای رسانه‌ای همه در شمار الگوهای نوین این پدیده هستند.

پایگاه اینترنتی «https://fastercapital.com» در مقاله‌ای جامع به بررسی راهکارهای مقابله با اخاذی در عصر دیجیتال پرداخته است.

۱- مدیریت هوشمندانه حضور آنلاین

در دنیای امروز، بیشتر اخاذی‌ها از اطلاعات آغاز می‌شود که خود ما بی‌محبا در اختیار دیگران قرار می‌دهیم. اطلاعاتی که در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک گذاشته می‌شوند -از موقعیت جغرافیایی تا عکس‌های شخصی، جزئیات روابط خانوادگی یا حتی وضعیت مالی- می‌توانند به دستاویزی برای اخاذی تبدیل شوند. بنابراین نخستین خط دفاعی در برابر اخاذی، هوشیاری در مدیریت حضور آنلاین است. تنظیمات حریم خصوصی باید به طور منظم بازبینی شوند و کاربران باید بدانند که هر پُست عمومی می‌تواند پیامدهای خصوصی به بار آورد. آموزش عمومی درباره شیوه حفاظت از داده‌های شخصی باید در سطح مدارس، دانشگاه‌ها و سازمان‌ها فراگیر شود.

۲- تقویت زیرساخت‌های امنیت سایبری

در بسیاری از موارد، اخاذی سایبری از طریق نفوذ به سیستم‌ها یا شبکه‌های محافظت‌نشده انجام می‌شود. مجرمان سایبری با دسترسی به اطلاعات حساس، فایل‌های شخصی یا داده‌های مالی، اقدام به تهدید و اخاذی می‌کنند.

راهبرد مؤثر در این زمینه، تقویت مستمر تدابیر امنیتی دیجیتال است. استفاده از رمزهای عبور قوی و غیرتکراری، فعال‌سازی احراز هویت دو مرحله‌ای، رمزگذاری اطلاعات حساس، استفاده از آنتی‌ویروس‌های معتبر و به‌روزرسانی مداوم سیستم‌ها از اقدامات ضروری در برابر نفوذ و حمله است.

۳- مستندسازی و شناسایی باج‌گیر

هرگونه اقدام باج‌خواهان، چه در فضای واقعی و چه مجازی، باید به‌درستی مستندسازی شود. ضبط مکالمات، ثبت ایمیل‌ها، پیام‌ها یا اسکرین‌شات‌های تهدید، می‌تواند بعدها در پیگیری‌های حقوقی یا گزارش به پلیس مفید باشد.

در موارد جدی، مشورت با متخصصان امنیت سایبری یا کارآگاهان خصوصی نیز توصیه می‌شود. شناسایی هویت باج‌گیر، شیوه‌های ارتباط او و الگوی تهدید، گامی مهم برای توقف چرخه باج‌خواهی است.

۴- امنیت فیزیکی و دیجیتالی به صورت ترکیبی

اخاذی فقط دیجیتال نیست، گاهی ترکیبی از تهدیدهای فیزیکی و سایبری به کار می‌رود؛ برای مثال حمله به خانه یا محل کار همراه با تهدید به انتشار تصاویر یا اطلاعات حساس. از این موارد، تلفیق تدابیر امنیتی فیزیکی با ابزارهای دیجیتال می‌تواند بازدارنده باشد.

نصب دوربین، تقویت درها و پنجره‌ها، مراقبت از ابزارهای شخصی و استفاده از نرم‌افزارهای محافظت از فایل‌ها، همگی بخشی از این راهبرد چندلایه‌اند.

۵- استفاده از ظرفیت‌های قانونی

در بیشتر کشورها، اخاذی جرم محسوب می‌شود؛ چه در قالب تهدید فیزیکی، چه باج‌گیری رسانه‌ای یا سایبری. اما قربانیان، به‌ویژه در حوزه سایبری، اغلب مسیرهای قانونی را نمی‌شناسند یا آنها را بی‌فایده می‌دانند.

مشاوره حقوقی تخصصی می‌تواند به قربانی کمک کند تا شکایت مؤثر، مستدل و قابل پیگیری تنظیم کند. اطلاع از قوانین محلی و بین‌المللی و همچنین پشتیبانی نهادهای انتظامی، می‌تواند از تداوم اخاذی جلوگیری کند.

۶- داشتن برنامه مدیریت بحران

در شرایطی که اخاذی به مرحله اجرا می‌رسد (مانند افشای داده‌ها یا پخش محتوا)، نبود یک برنامه مدیریت بحران می‌تواند به آسیب‌های گسترده منجر شود. شرکت‌ها، سازمان‌ها و حتی افراد مشهور باید از پیش برای چنین سناریوهایی برنامه داشته باشند. این برنامه شامل نحوه واکنش به افکار عمومی، تعامل با رسانه‌ها، اطلاع‌رسانی به کارکنان یا خانواده و چگونگی بازسازی اعتماد و اعتبار است. نمونه‌ای افشاکری علیه باج‌گیران پرداخت.

۷- همکاری منطقه‌ای و بین‌المللی

بسیاری از اخاذی‌ها، به‌ویژه از نوع سایبری، به دست شبکه‌هایی انجام می‌شود که در کشور دیگری مستقر هستند. این یعنی قربانی فقط با ابزار قانونی داخلی نمی‌تواند کاری از پیش ببرد. اینجاست که همکاری بین‌المللی اهمیت می‌یابد. نهادهای نظارتی، پلیس بین‌الملل و پلیترم‌های مشترک می‌توانند در پیاب‌خواهان را در کشورهای مختلف پیگیری کنند. کشورهایی که به پیمان‌های همکاری امنیت سایبری پیوسته‌اند، در این حوزه دست بازتری دارند.

۸- آموزش و فرهنگ سازی

پیشگیری بهتر از درمان است. این اصل در حوزه مقابله با اخاذی سایبری نیز صدق می‌کند. آگاهی‌بخشی عمومی دربراره انواع اخاذی، روش‌های شناسایی و نحوه برخورد با آن، باید در اولویت سیاست‌گذاری اجتماعی باشد.

برگزاری کارگاه‌های آموزشی در محیط‌های دانشگاهی، مدارس، محیط‌های اداری و حتی فضاهای مجازی، می‌تواند تأثیر چشمگیری در کاهش آسیب‌پذیری ایجاد کند.

۹- اصلاح روزآمدسازی قوانین

اخاذی در شکل‌های نوین، معمولاً در خلأهای قانونی رشد می‌کند. قوانینی که برای تهدیدهای فیزیکی و مستقیم تنظیم شدند، گاه پاسخ‌گوی باج‌گیری دیجیتال، رسانه‌ای یا ترکیبی نیستند؛ بنابراین بازنگری در قوانین کیفری و رسانه‌ای و گنجاندن جرم‌انگاری اخاذی دیجیتال، ضروری است. ایجاد قوانین صریح برای تهدید به انتشار اطلاعات یا سوءاستفاده از داده‌ها، یکی از محورهای کلیدی این بازنگری است.

۱۰- استفاده از فناوری‌های پیشرفته

فناوری نه‌تنها عامل تهدید، بلکه ابزار دفاع نیز هست. هوش مصنوعی، الگوریتم‌های یادگیری ماشین و سامانه‌های هشدار هوشمند، می‌توانند الگوهای اخاذی را شناسایی کرده و پیش از وقوع، به کاربران هشدار دهند.

برای مثال، در حوزه بانکداری، برخی از سامانه‌ها می‌توانند تشخیص دهند که فعالیت‌های کاربر با الگوی عادی او مطابقت ندارد و هشدار ارسال کنند. در فضای شبکه‌های اجتماعی نیز ابزارهایی طراحی شده‌اند که پیام‌های تهدیدآمیز یا زبان باج‌خواهانه را تشخیص می‌دهند.

جمع‌بندی: اخاذی در قرن بیست‌ویکم چهره‌های تازه‌ای به خود گرفته و به همان نسبت، راهبردهای مقابله با آن نیز باید به‌روز، ترکیبی و پیشگیرانه باشد. مقاله حاضر به‌خوبی نشان می‌دهد که با ترکیب ابزارهای حقوقی، فنی، آموزشی و رفتاری می‌توان در برابر این پدیده ایستادگی کرد. آنچه ضروری است، عبور از انفعال و توسعه فرهنگ افشاکری، مستندسازی، و ایستادگی عمومی و سازمانی در برابر فشارهای پنهان و آشکار است.

منبع:

FasterCapital

1- https://fastercapital.com/topics/strategies-to-combat-extortion-in-the-21st-century.html

«شرق» در گفت‌وگو با کارشناسان فرهنگی، اجتماعی و گردشگری سنگ اندازی‌ها برای برگزاری مهم‌ترین فستیوال موسیقی جنوب کشور را بررسی کرد

سرگردانی در کوچه



فستیوال، پول گرفته شود و در غیر این صورت پول آنها برگرداند

می‌شود.

«کوچه»: دگرگونی اقتصاد و گردشگری

اسماعیل حسام‌مقدم، دبیر انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات بوشهر، حرف‌هایی در این باره به «شرق» می‌زند. او از تولید مفهوم و معنای فرهنگی فستیوال «کوچه» از روز نخست می‌گوید و توضیح می‌دهد: «فستیوال کوچه هفت سال پیش با تمرکز بر معنایی مشخص که آن هم هارمونی بین رنگ و پنجره و نور آفتاب و شب و موسیقی بود در بستر کوچه که همان معبر انسانی بود و در خلال امر پرسه‌زنی فرهنگی که مفهومی جدی در علوم اجتماعی و ارتباطات محسوب می‌شود، متولد شد. تولدی خوش‌بین که دیگر در کوچه‌نشستن و گپ‌زدن و دست‌زدن و پرسه‌زنی پیرامون آن مامن تولید معنا و فرهنگ شود». این فعال رسانه‌ای معتقد است مواهب چنین رویداد فرهنگی در کل کشور جاری می‌شود و مازاد ایجاد می‌کند: «مواهب کوچه برای شهر بوشهر و فرهنگ و مردم این شهر در وهله نخست و برای کل موسیقی و فرهنگ کشور، مواهب متعددی داشت. سال اول که این فستیوال برگزار شد شاید کسی تصورش را هم نمی‌کرد تا این اندازه مقبول مردم و جامعه واقع شود. اما در ادامه مازاد فرهنگی بیشتری هم تولید کرد. برای مثال شاید ابتدا اسم کوچه با خیام‌خوانی پیوند خورده بود اما وقتی میزبان موسیقی نواحی کشور شد، یک زبان بینافرهنگی در کل کشور ایجاد کرد که توانایی گفت و شنود در آن وجود داشت. از سوی دیگر، این فکت‌وگویی بین‌فرهنگی، مجموعه‌ای از سبب‌های زندگی در اقصی‌نقاط ایران را هم در یک نقطه جمع کرد که خودش مجدداً عاملی برای برساخت فرهنگی جامعه شد». او «کوچه» را عاملی برای دگرگون‌کردن گردشگری و به تبع آن اقتصاد بوشهر می‌داند: «بیراه نیست اگر بگویم که کوچه گردشگری بوشهر را دگرگون کرد. اگر بافت قدیمی بوشهر زمانی گردشگری شلخته داشت که سالی یک بار مسافران سایر استان‌های کشور را جذب می‌کرد، بعد از «کوچه» این گردشگری متحول شد. تعداد زیادی هتل و اقامتگاه سستی در سطح شهر و همچنین در روستاهای اطراف احداث شد که معاش مردم بومی را به شکل قابل توجهی متحول کرد. از سوی دیگر همین جذب مسافر و گردشگر سبب شد مشاغل دیگر هم تقویت شوند».

شادی جمعی در تضاد با نظم عبوس رایج

به گفته این عضو انجمن جامعه‌شناسی، از زمان شکل‌گیری این فستیوال تا امروز همواره تنش‌های این‌چنینی وجود داشته است: «از انتقال برنامه به سالن‌های درسته که نابودی کامل معنا و مفهوم این فستیوال بود تا جلوه‌گری از برگزاری برنامه اختتامیه در سال گذشته و همین حالا که چند روز مانده به شروع رویداد، مجوزش را لغو کردند و بعد اعلام شد که برگزار می‌شود. در کل همچنان برگزاری آن بی‌لافتلی است. متأسفانه تصور این است که دست‌زدن و شادی جمعی در تضاد با نظم عبوس رایج است و همین نگاه سبب می‌شود دیگر مزایا و موهبت‌های چنین رویداد فرهنگی‌ای دیده نشود. حال آنکه لازم است مدیران ما بدانند که به هر حال تکرر تفکر و اندیشه در کشور ما وجود دارد و نمی‌شود با زیر فرش کردن برخی دیدگاه‌ها، وجودشان را انکار کرد و نادیده گرفت. نگاه و اندیشه، خاصه وقتی در بستر فرهنگ و هنر باشد، جاری خواهد شد. مثل همین حالا که شما شبیه فستیوال کوچه را در استان‌های همجوار هم می‌بینید که چگونه اشعاب پیدا می‌کند». حسام‌مقدم خطاب به مدیران می‌گوید: «شاید کسی نداند که همین افرادی که خیام‌خوانی می‌کنند، کانون مرکزی مراسم محرم بوشهر هستند و شروه‌خوانی (نوحه‌خوانی بوشهری) هم می‌کنند؛ بنابراین مدیران باید روی اشتراکات مهم تمرکز کنند».

این فعال رسانه‌ای می‌گوید: «در تیبات اجتماعی چنین سرخوردگی‌هایی در جامعه هشدار می‌دهد: «در ماه‌های اخیر اقامتگاه‌های بوشهر جای خالی نداشتند. خود من که ارتباطاتی زیادی دارم، در هفته گذشته نتوانستم برای میهمانم اتاق خالی پیدا کنم. همه بسیار پرازنی بودند و در انتظار برگزاری این رویداد سر از ز نمی‌شناختند و براساس همین رویداد، برنامه‌ریزی مالی و اقتصادی هم کرده بودند. فکر کوچه، ضرر جبران‌ناپذیری به اقتصاد مردم می‌زند؛ چون این یک جریان فرهنگی است، نمی‌شود گفت ساز-هایتان را جمع کنید بروید. لغو کوچه در ساحات مختلف زندگی مردم این شهر و حتی مسافران‌ش تأثیر می‌گذارد و سرخوردگی‌های اجتماعی و روانی ناشی از چنین تصمیم‌گیری‌های لحظه آخری، تبعات متعددی برای جامعه خواهد داشت».

تعطیلی جشنواره‌ها؛ فرسایش سرمایه اجتماعی

علیرضا شریفی‌زیدی، جامعه‌شناس، در واکنش به نابسامانی و اعلام تعطیلی و سپس برگزاری جشنواره موسیقی نواحی در بوشهر، آن را مصداق‌ای از تسخرد سلیقه‌های با پدیده‌های شادی‌افزین در جامعه دانسته و نسبت به پیامدهای آن هشدار می‌دهد. او در گفت‌وگو با «شرق» با اشاره به نتایج مطالعات

«شرق» در گفت‌وگو با کارشناسان فرهنگی، اجتماعی و گردشگری سنگ اندازی‌ها برای برگزاری مهم‌ترین فستیوال موسیقی جنوب کشور را بررسی کرد

جهانی، می‌گوید: «ایران یکی از غمگین‌ترین و عصبانی‌ترین جوامع دنیاست. بخشی از این وضعیت، نتیجه نحوه مواجهه ما با مناسبت‌ها و مراسم‌های شادی‌افزین است. گرچه مشکلات اقتصادی و معضلات اجتماعی هم نقش دارند، اما تعطیلی یا محدودسازی چنین رویدادهایی که می‌توانند نقش مهمی در افزایش تاب‌آوری و کاهش اضطراب مردم ایفا کنند، به وخامت اوضاع دامن می‌زند». شریفی‌زیدی معتقد است جشنواره‌هایی مانند فستیوال کوچه بوشهر، تزییق شادی به بدن جامعه است: «مردم در شرایطی که با فشارهای ناشی از سوءمدیریت، ناکارآمدی سیاست‌گذاری و بحران‌های اقتصادی مواجه‌اند، به این فضاهای شادی‌افزین نیاز دارند. این برنامه‌ها به طور مستقیم بر سلامت

روان و حتی سلامت جسمی مردم اثر می‌گذارند؛ چراکه شادی و آرامش، سیستم دفاعی بدن را تقویت می‌کند و تحمل‌پذیری اجتماعی را افزایش می‌دهد». او از تکرار برخورد‌های سلیقه‌ای متأسف است و به نمونه‌های مشابهی از گذشته اشاره می‌کند: «ما پیش‌تر هم با چنین تصمیماتی مواجه بودیم. برخورد‌های سلبی با مراسم‌هایی مانند چهارشنبه‌سوری، آن را از یک جشن سنتی و آیینی به صحنه جنگ خیابانی تبدیل کرده است. همان الگو اکنون دربارۀ موسیقی و کنسرت‌ها تکرار می‌شود؛ مواردی که صرفاً به دلیل حضور یک نوازنده زن یا مخالفت یک مقام محلی لغو می‌شوند». شریفی‌زیدی تأکید می‌کند که این نوع برخورد‌ها، در افکار عمومی این تلقی را ایجاد می‌کند که گویا حاکمیت یا شادی مردم مخالف است، در حالی که در واقعیت نهادهای رسمی کشور با اصل ماجرا مشکلی ندارند؛ چون تصمیم‌گیری در این موارد به سالیق شخصی برخی افراد سپرده شده -از امام‌جمعه یک مسجد تا فرماندار و استاندار یک شهر- نتیجه آن به پای حاکمیت نوشته می‌شود. این جامعه‌شناس یکی از پیامدهای این روند را «کاهش شدید سرمایه اجتماعی» می‌داند و توضیح می‌دهد: «اعتماد عمومی نسبت به نهادهای رسمی به پایین‌ترین سطح خود رسیده است. پس از انتخابات اخیر و روی کار آمدن دولت جدید، اندک روزنه‌ای برای بازسازی این سرمایه به وجود آمده بود، اما با رخدادهایی مانند افزایش نرخ ارز و حالا تعطیلی جشنواره‌ها، دوباره آن اعتماد رو به افول رفته است».

روآوردن به شادی‌های زیرزمینی

او هشدار می‌دهد: «مردم وقتی نمی‌توانند به صورت قانونی و علنی شادی کنند، به شکل زیرزمینی دست به این کار می‌زنند؛ اتفاقی که به همراه خود آسیب‌های فرهنگی، اجتماعی و فرغی جدی به بار می‌آورد. این برگزاری غیررسمی میهمانی‌ها در خانه‌ها تا افزایش مصرف مواد مخدر و شکل‌گیری روابط نامناسب، همگی محصول غیاب فضاهای رسمی شادی هستند». شریفی‌زیدی معتقد است در هر جامعه‌ای نیاز به تخلیه فشارهای روانی، اضطراب‌ها و تنش‌های ناشی از مشکلات زندگی وجود دارد. او این کار به صورت سازمان‌یافته و تحت نظارت انجام شود، نه‌تنها باعث کاهش تنش می‌شود، بلکه باعث افزایش امید به زندگی، انگیزه برای کار و مشارکت اجتماعی نیز خواهد شد: «جامعه‌ای که نتواند شادی و شمعف را در دل خود بازتولید کند، به‌تدریج به جامعه‌ای عبوس، خشمگین و فروپاشیده تبدیل خواهد شد».

قانون حاکم نیست

«در کشور قانون حاکم نیست»؛ این واکنش کامییز نوروزی، حقوق‌دان، در پاسخ به «شرق» است. او درباره حواشی برگزاری فستیوال کوچه می‌گوید: «در کشور قانون حاکم نیست، یعنی نه قواعد حقوقی حاکم است و نه قواعد شرعی. در قوانین ما مقرراتی برای برگزاری کنسرت، تاتر و... وجود دارد که تکلیف را مشخص کرده است. وزارت فرهنگ و ارشاد هم مسئولیت برسی، احیاناً ممیزی و نهایتاً صدور پروانه اجرا را در اختیار دارد. براساس قوانین سایر اشخاص یا دستگاه‌ها موظف هستند به مجوزهای صادرشده توسط وزارت ارشاد احترام بگذارند». او به افرادی اشاره می‌کند که سال‌هاست خود را بالاتر از قوانین فرض می‌کنند: «این افراد مانع از برگزاری چنین برنامه‌هایی می‌شوند. درحالی‌که حتی از نظر شرعی هم وقتی یک مرجع قانونی در چارچوب وظایف قانونی یا رعایت مقررات قانونی تصمیم‌گیری می‌کند، سبب این نیست که این تصمیم قانونی احترام بگذارند. اما به قدری بی‌احترامی به قانون و نقض قوانین رایج شده که تقریباً تبدیل به موضوعی عادی شده است».

این حقوق‌دان در پاسخ به این سؤال که لغو برنامه‌های تفریحی باعث خسارت به ذی‌نفعان می‌شود و آیا این رویکردها منطق با قوانین است یا خیر، می‌گوید: «از نظر قانونی و شرعی این اقدامات موجب ضرر به دیگران است. براساس قوانین هیچ‌کس اجازه ندارد موجب ضرر به دیگری شود. اینکه عده‌ای با صرف وقت و هزینه بسیار، اجرای برنامه‌ای را تدارک می‌بینند، اما عده‌ای بدون رعایت قوانین مانع از اجرای این برنامه‌ها شوند باعث واردشدن خسارت مالی و معنوی به مردم است. این خسارت به لحاظ قانونی قابل مطالبه هستند». او با اشاره به برنامه‌های دارای مجوز وزارت ارشاد که بلیت آنها هم فروخته می‌شوند اما به دلیل مداخله غیرقانونی برخی افراد، برنامه‌هایی لغو می‌شوند، عنوان می‌کند: «در این وضعیت مسئولیت پرداخت وجه بلیت‌ها بر عهده تهیه‌کننده است اما همین هم به عنوان بخشی از خسارات مالی قابل مطالبه است از فرد یا دستگاهی که مانع از اجرای برنامه شده است». نوروزی، نخستین وظیفه قانونی دستگاه‌های دارای اختیار برای صدور مجوز برنامه‌ها را پیگیری‌های اداری اجرای این برنامه‌ها عنوان می‌کند و می‌گوید: «دستگاه‌هایی مانند وزارت ارشاد باید به مجوزی که داده‌اند، احترام بگذارند، اما واقعیت این است که به‌ویژه وقتی این نوع رفتارهای غیرقانونی در شهرستان‌ها رخ می‌دهد، نهادهای اداری شهرستان‌ها با وزارت ارشاد همراهی نمی‌کنند و عملاً موضوع رخ داده غیرقابل پیگیری می‌شود».

خبرهای روز

تمدید اعتبار کارت ملی تا پایان ۱۴۰۵

رئیس سازمان ثبت احوال کشور گفت: «کارت‌های هوشمند ملی که اعتبار آنها تا پایان سال ۱۴۰۴ است، تا پایان سال ۱۴۰۵ تمدید شد». براساس اعلام سازمان ثبت احوال کشور، هاشم کارگر با اشاره به اینکه اعتبار برخی کارت‌های هوشمند ملی منقضی‌شده تا پایان سال ۱۴۰۴ است، ادامه داد: «به منظور تسهیل خدمات عمومی و کاهش مراجعات غیرضروری مردم، اعتبار این کارت‌ها تا پایان سال ۱۴۰۵ تمدید شد و نیازی به تعویض این کارت‌ها نیست. همچنین اعتبار کارت‌هایی که تاریخ انقضای آنها سال‌های گذشته بود نیز پیش از این تا پایان سال ۱۴۰۵ تمدید شده بود».

مشکلات شنوایی در دهک‌های پایین جامعه

ایسنا: وزیر بهداشت با بیان اینکه مشکلات شنوایی در دهک‌های پایین جامعه بیشتر است، گفت: «عدالت در سلامت به ما حکم می‌کند که از این گروه‌ها بیشتر مراقبت کنیم». محمدرضا ظفرقندی که در همایش «دستاوردهای سلامت در حوزه مراقبت گوش و شنوایی» صحبت می‌کرد، ادامه داد: «سالانه دو هزار حلزون شنوایی در کشور کاشته می‌شود. تعداد کاشت حلزون در کشور یک عدد بزرگ است، درحالی‌که کاشت حلزون کودکان به صورت رایگان انجام می‌شود. بیمه‌ها باید هزینه‌های سلامت را پوشش دهند. بررسی‌ها نشان می‌دهد سالانه دو هزار کاشت حلزون شنوایی در کشور به صورت رایگان انجام می‌شود». او با اعلام اینکه مردم بخشی از هزینه‌های سمعک را پرداخت می‌کنند، افزود: «وزارت بهداشت برای کاهش پرداخت هزینه‌های سمعک از جیب مردم تلاش می‌کند، اما بخش عمده‌ای توسط بیمه‌ها پرداخت می‌شود. وضوع پوشش بیمه‌ای سمعک باید در شورای‌عالی بیمه مطرح شود تا عدد و رقم جدید مربوط به سمعک مشخص شود. علاوه بر سمعک، مسائل دیگر نیز در شورای‌عالی بیمه تعیین قیمت می‌شود». وزیر بهداشت با بیان اینکه علل مختلفی سبب کم‌شنوایی می‌شود، گفت: «۶۳۰ میلیون نفر در سطح جهان به کم‌شنوایی مبتلا هستند و تعداد این افراد به ۹۳۰ میلیون نفر در سال ۲۰۵۰ می‌رسد. آمارهای مربوط به مشکلات شنوایی، فزاینده است». به گفته او، ۳۰۹ در هر هزار تولد از نوزادان کشور به عارضه شنوایی به دنیا می‌آیند، این در حالی است که ۹۷ درصد مشکلات با غربالگری شناسایی می‌شوند: «افرادی که با عارضه شنوایی مواجه بودند، دیرنکام شناسایی می‌شدند و بنابراین کاشت حلزون چندین اثربخشی نداشت. موضوع مشکلات شنوایی باید در مدارس بیشتر در کانون توجه قرار گیرد و بتوانیم مبتلایان را شناسایی کنیم.»
درصد درخور توجهی زمانی که وارد مدرسه می‌شوند این عارضه را دارند که این رقم حدود ۲۰۵ درصد است. اگر انسان سالم وجود نداشته باشد، توسعه‌های صورت نمی‌گیرد و با آموزش، پیشگیری و درمان می‌توان سواد عمومی سلامت را ارتقا داده و از عارضه‌ها پیشگیری خواهد شد».

راه‌اندازی مرکز غربالگری زنان آسیب‌دیده

مهر: مدیرعامل سازمان خدمات و مشارکت‌های اجتماعی شهرداری تهران از راه‌اندازی مرکز غربالگری زنان آسیب‌دیده در مرکز فوریت‌های اجتماعی شهر تهران خبر داد. محمد نقیب با اشاره به اینکه اقدامات شایان توجهی در این دوره مدیریت شهری در زمینه کاهش آسیب‌های پایتخت اجرا شده است، گفت: «مرکز غربالگری زنان آسیب‌دیده، با هدف تسريع در روند خروج آنها از چرخه آسیب راه‌اندازی شده است». او افزود: «این مرکز با همکاری سازمان بهزیستی و با حضور نوانان متخصص حوزه آسیب‌های اجتماعی، پزشکان و مددکاران فعالان خواهد داشت، در محل موقت اسکان آسیب‌دیدگان اجتماعی، نیروهای مدیرار افزایش یافته‌اند تا در این مرکز غربالگری، شرایط خوبی فراهم شود».